

۳۵

شکوه ساسانی

ارگان نشراتی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری

سال سوم، شماره سی و پنجم، ماه اسد ۱۳۹۵

تاریخی، فرهنگی، علمی، ادبی و هنری



تقدیر از پیام آوران صلح

بتاریخ ۱۳۹۵ / ۵ / ۵ محفل ضیافت از طرف جلالت معاب آقای غلام ناصر خاضع والی ولایت غورباستان در تالار شب یلدا به مناسبت تقدیر از تیم پیام آوران صلح ترتیب گردیده بود. در این ضیافت جلالت معاب شخص والی غور، محترم تورن جنرال محی الدین غوری قوماندان قول اردوی ۲۰۷ ظفر، محترم نثار احمد حبیبی غوری معاون بنیاد فرهنگی جهانداران غوری، فضیلت معاب الحاج سید محمد رفیق نادم رئیس بنیاد فرهنگی جهانداران غوری حوزه غرب مسئول بخش ارتباطات فرهنگی دفتر مرکزی بنیاد، حاجی عبدالرحمن خان غوری رئیس شورای قومی غوری ها، رؤسای بنیاد ها، سازمان های اجتماعی و مردمی غور شرکت نموده بودند



مدیر مسئول در ویرایش مطالب دست باز دارد.
بدون از سر مقاله، نوشته ها و مطالب دیگر صرفاً نظر نویسنده بوده و نشریه شناسیه در این خصوص مسؤلیتی ندارد.

در زیر چتر استقلال

استقلال در فرهنگ معین به معنای؛ خودمختار بودن، اداره کشور با اختیار و آزادی بدون مداخله کشورهای بیگانه، اما دردانشنامه ویکی پدیا استقلال را بگونه دیگری این قسم تعریف می نماید: «آزادی امکان عملی کردن تصمیم‌هایی است که فرد یا جامعه به میل یا اراده خود می‌گیرد. اگر انسان بتواند همه تصمیم‌هایی را که می‌گیرد، عملی کند و کسی یا سازمانی اندیشه و گفتار او را محدود نکند و در قید و بند در نیابد، دارای آزادی مطلق، یعنی آزادی بی حد و مرز است، اما چون انسان‌ها به طور اجتماعی زندگی می‌کنند اجتماع می‌انجامد، به همین سبب است که هر جامعه‌ای با قانون‌ها و مقررات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خاصی هم حافظ آزادی‌های افراد آن جامعه می‌شود و هم حد و مرزهایی برای این گونه آزادی‌ها به وجود می‌آورد، قانون‌ها و مقررات جهانی نیز آزادی‌های مردم سراسر جهان و حد و مرزهای آن‌ها را در جامعه می‌جهانی معین و مشخص می‌کنند، تلاش‌ها و مبارزه‌های انسان در طول تاریخ زندگانی او همواره برای بدست آوردن آزادی مشروع و قید و بند زدن به آزادی مطلق فرمانروایان ستمگر و زورمندان بوده است.»

همچنین، استقلال درست به معنای آزادی ملت است، در نبود آزادی سیاسی، آزادی رشد اقتصادی، آزادی انکشاف فرهنگی، آزادی نظامی و دیگر ارزش‌های که برای حضور یک ملت مستقل و آزاده ضروری است استقلال جامعه و کشور هیچ مفهوم و معنایی ندارد، استقلال برای انسان در شکل فرد و یا ملت، به معنای آزاد بودن از سلطه و اسارت تحمیلی فرد، گروه و یا ملتی دیگری است.

بااستقلال عبارت از داشتن شرف، عزت، وقار، غرور و از خودگذری جوامع بشری است. جامعه بدون استقلال احساس حقارت و کمبود می‌کند، باید گفت، برای حصول استقلال افغانستان، یک تفکرواحساس مشترک سیاسی به وجود آمده بود، اگر این احساس مشترک را «اراده ملی» بگوییم، نزدیک به حقیقت است، این اراده ملی بصورت آگاهانه و یا ناخود آگاه توانست آزادی را در آن زمان از سوی استعمارگران دوباره بدست آورند.

زیرا در آن زمان هیچ فردی برای ملیت، قوم، نژاد، مذهب، لسان و سایر مواردیکه ذهنیت مردم ما را کنون محدودش ساخته به سراغ استقلال و آزادی نمی رفتند، شعار همگان آزادی، استقلال و وطن واحد شان افغانستان بود، مرد وزن، پیرو جوان، توانمند و مستمندان همه برای آزادی وطن شان سر میدادند و موفقیت های چشمگیری را حاصل می نمودند.

امسال مردم شریف افغانستان نودو هشتمین سالروز استقلال کشور شانرا به تجلیل می نشینند و یاد خاطرات سالهای راتازه می سازند که جزه هدف مشترک دیگر هیچ مانعی در مقابل مردم بپا خواسته وجود نداشت.

عشق وطن و آزادی بر تمام قلوب یکسان شعله ور بود و همه بخاطر زندگی مرفه در کنار هم صف می کشیدند و امتیازی برای هیچ فرد گریز از مبارزه وجود نداشت، با تأسف این آفتاب نیمه طلوع بزودی دستخوش تحولاتی شد که پنجاه سال اول استقلال افغانستان به آرامش نسبی ولی قبل از طوفان سپری شد و هنگامه که در نیمه دوم قرن استقلال کشور رو بکارگردید، فصلی جدید بود که در جهان کمتر نظیر آنرا سراغ داریم.

در این فصل نه تنها اختلافات قومی، سمتی، محلی، مذهبی بصورت افراط گرایانه جوانه کشید، بلکه همه این تحركات سبب شد تا بر رنج های مردم کشور که نیم قرن اول را به رنج بی سواد، قحطی و گرسنگی عدم اندیشه انسانی بسر برده بودند داخل یک کوره ی داغ از فراجیهیدن هاومشکلات دیگر گردد.

کنون که مدت بیشتر از چهل سال است، همه هستی مردم مابه نابودی سوق داده شده، فرهنگ افغانی مادستخوش فرهنگ بیگانه گردیده و برای رسیدن به استقلال فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی فقط انتظار معجزه از خارج هستیم. بهر صورت باز هم جای خوشی است که مردم کشور ما هنوز هم آرزوی آزادی را در اذهان شان داشته و برای رسیدن به این مأمول از همه نیرو قدرت شان کار میگیرند امیدواریم این پروسه بصورت ملی گسترش یافته و همه روزی شاهد تمام آزادی های انسانی شان بوده واز استقلال کیفی اقتصادی اجتماعی سیاسی و فرهنگی برخوردار باشند.



تاریخی، فرهنگی، ادبی و هنری
سال سوم، شماره سی و پنجم
ماه سرطان ۱۳۹۵

در این شماره

- ۱- آغاز سخن
- ۲- مدارس تعلیمی دوره غوری ها
- ۳- صلح آزادی و استقلال
- ۴- میر حسین سادات غوری
- ۵- ارتباطات
- ۶- حرف دل
- ۷- شعر و شعر شناسی
- ۸- آزادی واژه ها
- ۹- صحت روان
- ۱۰- توت
- ۱۱- صفحه کودک
- ۱۲- مدیریت

نشریه مرکزی بنیاد فرهنگی
جهانداران غوری

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری
مدیر مسئول: نثار احمد حبیبی غوری
تنظیم کننده و سردبیر: محمد نظر حزین یار
هیئت تحریر: سید محمد رفیق نادم، استاد
شاه محمود محمود، دکتر محمد عابد
حیدری عبدالشکور دهازاد، نیک محمد
مستمند غوری
صفحه آرایی: محمد قسیم حزین یار
آدرس: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری، حوزه
غرب شهر هرات، گرده پارک ترقی، سالون
فانوس دریا طبقه چهارم.

راه های ارتباطی

حبیبی: ۰۷۹۹۰۲۵۲۹۹
حزین یار: ۰۷۹۹۲۳۷۵۷۹
نادم: ۰۷۹۹۳۴۸۳۹۶
مسئول دیزاین: ۰۷۹۵۸۱۳۳۰۷
hazinyar.gjcf@gmail.com
fb.com/qasimhaz

هیچ دینی به قیامت نمی ماند!

مدارس و مراکز تعلیمی در دوره غوریان

یادداشت سردبیر ماهنامه



داشت، مدارس دوره غوریان توجه بیشتر به تحقیق و آموزش تعلیم علوم دینی، بحث و فحص در شعب مختلف آن بود.

اولین سلطان غور که توجه به مدارس نمود امیر ابوعلی بن محمد سوری بود، چنانکه مؤلف طبقات ناصری در مورد می نویسد: «و آن ابوعلی به غور نصب شد بجای بحال خلق نیکوی کرد و بناهای خیر فرمود و در بلاد غور مساجد و مدارس بر آورد اوقاف بسیار تعیین فرمود و ائمه و علما را عزیز داشت و تعظیم زهد و عباد از لوازم احوال خود شمرد.»

اکثر برای اداره مدارس موقوفات تعیین میگردد، این موقوفات در دست متولی و ناظری قرار داشت و گاهی مدارس را امرا و حکام یا خلفا و سلاطین اداره میکردند، بدین معنا که ایشان مدرس، ناظر و غیره کارکنان را معین می نمودند، از محل موقوفات مدارس را تعمیر میکردند و به تمام کارکنان مدارس از مدرسین و محصلین گرفته، تا خادم مشاخره و موابج میدادند، بعداً در هنگام ملک ضیال الدین محمد ابوعلی، نواده شجاع الدین علی بن حسین در مالک غور بسیار مدارس و مساجد بنا شد.

چگونگی و مواد تدریس

تدریس در مدارس به دو دسته بود، مدرسان و معیدان (صاحبان تجربه در امور تدریس) و گاه نیز اگر کسی را با لیاقت و اهمیتی چنانکه باید برای مدرسی نمی یافتند بجای وی نایب مدرس انتخاب میکردند و بکار می گماشتند معید که به معنی تکرار کننده است، مؤلف بود درسی را که مدرس می گفت دوباره

آموختند، بعداً در شهرهای عمده چون غور، غزنه، بلخ، بخارا و هرات مدرسی برپا ساختند.

فرهنگ پروری، علم دوستی که سنتی از گذشتگان افغانستان و خراسان بود، از خصایل بارز غوریان شمرده می شد، ایشان ادباً شعرا و دانشمندان را در دربار خود جلب و با بخشش صلات گرانبها ایشانرا به سرایش شعرو تألیف کتب ترغیب و تشویق می نمودند.

مدت سلطنت مستقل غوریان نسبت به سلاله های بزرگ خراسان زمین کوتاه بود و آفتاب اقبال شان در اثر حوادث متعدد زود تر افول کرد لیکن در همین مدت اندک داعیه فرهنگ گستری خود را به جا کردند، مراکز بزرگ آموزش و تدریس را در شهرهای هرات، غزنه، بامیان، غورو هند تقویه نمودند، با وجود مشغولیت های نظامی و گرفتاری های جهان گشایی و سوقیات متداوم در شرق و غرب در راه اشاعه دانش، علم پروری، حمایت دانشمندان، عالمان، ایجاد کتابخانه ها و کانون های دیگر علمی و فرهنگی توجه زیادی مبذول کردند.

مراکز آموزشی و مدارس دوره غوریان نسبت به بعضی سلاله های قبلی و وضع مالی آنان نیز بهتر بود، رواج زبان عربی در این دوره بیشتر شد، در پهلوی آن زبان دری و پشتونیز رونق خویش را حفظ کرده بود، بصورت عموم این مدارس و مراکز بواسطه و حمایت شاهان غوری بنا گردیده، در پهلوی آن مدارس که توسط عده ای از مردم دیندار برای اذخار حسنات و کسب ثواب اخروی و خدمت به دین و نشر علوم دینی بنا میکردند، فعالیت

«ماهنامه شنسبانیه ترواشیست از اندیشه و قلم اندیشمندان و قلمبستان علمی، فرهنگی، پژوهشگران تاریخ و هنرمندان چیره دست کشور، این ماهنامه متعلق به گروه و سازمان خاصی نبوده: اما توسط بخش فرهنگی و ارتباطات بنیاد فرهنگی جهانداران غوری ترتیب و تنظیم میگردد، بعضی وقت ممکن به اساس نیاز های جامعه و معلومات بیشتر به خواننده مطالب که در اندیشه ماهنامه درج است به نشر نرسد و به موضوعات اجتماعی که مورد نیاز زندگی مردم ماست بیشتر توجه گردد، اما بنا به خواست تعدادی از علاقمندان ماهنامه قرار شد بعضی از مقالات که در اولین سیمینار علمی «امپراطوری غوری ها و جایگاه آن در تاریخ تمدن و فرهنگ افغانستان و منطقه» که به تاریخ ۲۴-۲۳ حمل ۱۳۸۸ در کابل دایر گردید، برای اطلاع و معلومات بیشتر آنها به نشر برسد روی این اصل مدیریت ماهنامه مصمم شد تا ازین به بعد مقالات تحقیقی و علمی این سیمینار و وسیمینار که به مناسبت ۸۰۸مین سالروز شهادت سلطان شهاب الدین غوری در شهر (اسکندر بورگ) کشور دهمارک دایر شده بود بدست نشر سپرده شود، امید داریم با مطالعه این مقالات دوستان شنسبانیه بتوانند در مورد امپراطوری بزرگ اسلامی غوری ها معلومات بیشتر حاصل دارند.»

توجه به اصل مطلب

مقدمه :

دوره غوری ها از حیث مدارس و اهمیت آنها مهم ترین دوره های تمدن افغانی و اسلامی بود، وسیله آموزش و تعلیم عبارت از وعظ و خطابه که در مساجد انجام میگرفت و برای توده ی مردم بود، مکاتب که برای آموختن قرآن و خواندن و نوشتن و مقدمات حساب و زبان عربی بود، حلقه های درس که در مساجد و مشاهد (محل تجمع) و زوایا تشکیل می شد، در آن جا ها زبان عربی و احادیث اخبار و فقه، اصول دین و تفسیر و قرآن را می

برمحصلان فراخواندو مشکلات شاگردان رامرفوع سازد، به مدرس و معیدهریک هنگام گماشتن بکارتعلیم، خلعت های گرانمایه و تشریفات خاص داده می شد، برای خدای که درمدارس به خدمت گذاری گماشته می شدند مشاخره (قراردادی ها) وراتبه خاصه معین بود.

مواد تدریس دراین مراکزومدارس عبارت بودازفقه، حدیث، تفسیر، علوم ادبیه، علوم حساب وطب، همچنان نجوم نیزمورد تدریس و تحقیق مدرسین قرارمیگرفت ورسد خانهی برای تحقیقات نجومی درغوروجود داشت.

مدارس

مدارس مشهورغوریان ازین قراربود: مدرسه افشین غرجستان، از جمله مدارس معروف غوریان بوده که مدرس آن «امام صدرالدین علی هیصم بود وبصورت کل این مدرسه تحت رهنمایی های علمای مذهب کرامیه (محمد کرام) قرارداشت، قابل یادآوری است که دراین زمان هرمدرسه به یکی از مذاهب مهم اختصاص داده شده بود.

مدرسه شاه مشهد، مدرسه دیگری است دربادغیس که شاگردان متعدد راباهم جمع کرده بود، این مدرسه درکنارچپ دریای مرغاب موقعیت داشت، بقایای این مدرسه وکتیبه های متعددی ازآن باقی مانده است که نشان دهند ی فرهنگ عالی غوریان رامی نماید این مدرسه ازنگاه قدامت تاریخی وهنری برجستگی خاصی را حایزاست.

مدرسه غبائیه یکی دیگراز مدارس مشهوردوره غوریان می باشدکه درکنارمسجد جامع هرات موقعیت داشت (دارد)، امام فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمررازی (۵۴۴-۶۰۶ هجری ۱۱۹۴-۱۲۰۹م) درحالیکه روز های جمعه درمنبر مسجد جامع، مردم را به حق ارشاد میفرمودودردیگرایام هفته درآن قسمت مسجدکه بحیث درسگاه امام «مدرسه غبائیه» تخصیص یافته بود، به درس می پرداخت وشاگردان وعلاقمندان درحلقه تدریس امام، علوم فلسفه وعقاید اسلامی را می آموختند، درسالهای بعدخصوصاً در دوره سلاله آل کورت مدرسه، غبائیه درشمال مسجد جامع درمحوطه ی جداگانه ومتصل درسگاه قبلی مسجدبه مساعدت مالی مردم هرات بناشدواوقافی هم جهت تدویر مدرسه وتأمین معیشت مدرسان ومقربان و طلاب علوم تخصیص یافت.

دراین مدرسه که ازقرن هشتم هجری - چهاردهم میلادی بنام مدرسه غبائیه به شهرت آفاقی رسید، از سراسر خراسان

وجهان اسلام دانشجویان ودانش پژوهان علوم منقول ومعقول اسلامی به غرض تحصیل بدان روی می آوردند، گرچه مدرسه متذکره رامحترم انورازجمله مدارس ساخته وپرداخته غیاث الدین کورت بود دانسته است، اما اگربا تعمق نظر کنیم، بنا نخستین این مدرسه دردوره سلطان غیاث الدین غوری بوده است.

درامیان نیز دومدرسه غوریان وجودداشت که مولاناسراج الدین منهاج پدرمنهاج الدین عثمان صاحب طبقات ناصری بدون اجازه سلطان غیاث الدین غوری بدربار بها الدین سام رهسپارامیان شدو«چون بدانجارسیداعزازبسیاریافت وکل مناصب آن مملکت وانقطاع دعاوی حشم منصوروخطابت ممالک واحساب باکل امورشرعی ودومدرسه با اقطاع وانعام وافربه مولانامفوض فرمود.»

مدرسه سرحوض درسیستان یکی دیگر از مدارس غوریان بودکه منهاج سراج جوزجانی، هنگامیه برسم رسالت درسال ۶۱۳ هجری ۱۲۱۶میلادی ازشهریست رهسپار سیستان شده بود، رسولداران ویرادرجوارمدرسه سرحوض منزل دادند.

شاهان غوری به اعمار مدارس درهند نیز دست زدند، چنانکه مؤلف طبقات ناصری مدرس مدرسه فیروزی اچه ملتان بود که درآن علوم اسلامی ودیگرعلوم تدریس می شد، همچنان دردهلی مدرسه معزی ازساخته های قطب الدین بود، این مدرسه تازمان سلطان راضیه وحتا بعد ازآن نیز وجودداشت.

درهند علما ودانشمندانی در دوره غوریان حیات بسر می بردند که قابل یادآوری است ازآنجمله عده ی از دانشمندانی که همراه سلطان شهاب الدین غوری به آن دیارآمده بودند و در آنجا مقیم گردیدند، چنانچه سید کمال الدین عثمان ترمذی ازجمله علمای مشهور دین بود که درکنهیل اقامت داشت ودرخدمت علم مصروف بود(وفات ۶۰۰ هجری ۱۲۰۳ میلادی).

چنانکه ملاحظه میگردد، نهضتی را که غوریان با ساختن مدارس متذکره فوق درهندوافغانستان بوجود آوردند، بزودی با سرعتی شگفت آوروبواسطه حملات مغل ویران گشت، درحالیکه قبل ازآن رواج علوم مختلف خصوصاً علوم دینی، علمی و ادبی بود، توجه شاگردان به مدارس درحقیقت وسیله تشویقی برای بانیان مدارس خصوصاً سلاطین غوری قرارمیگرفت، باین کارایجاد مدارس بجای کشیدکه اگربدقت درباب هریک از شهرهای بزرگ، متوسط وکوچک

آنروزبه تحقیق ومطالعه بپردازیم ازیافتن مدارس متعدد، درآنجا مایوس نخواهم شد.

قابل یادآوری است که بصورت عمومی درخراسان وافغانستان فعلی مدارس خانگی وجودداشت، دراکثراوقات درپهلوی مدارس خانگی، مساجد نیز جوابگوی آرزوهای طالبان علم رابراورده می ساخت «ازقدیم تاحالا بچه درمساجد غورسبق می خوانند البته کلان سالان هم گاهی هوس خواندن ونوشتن می کنندوبه مسجد می روند.»

زیر نویسها

۱- صدیق- داکترعیسی؛ تاریخ فرهنگ ایران، ازآغازتامروز، انتشارات دانشگاه ص ۱۱۳، تهران ۱۳۲۸

۲- نیلاب رحیمی - غلام فاروق؛ سیرتاریخی کتابخانه هادرافغانستان، ص ۱۳۸-۱۴۰ کابل ۱۳۶۱

۳- جوزجانی- منهاج سراج؛ طبقات ناصری به تصحیح وتحشیه پوهاندعبدالحمی حبیبی؛ جلد اول ص ۳۴۱ و ۳۳۰ کابل ۱۳۴۲

۴- صفا- ذبیح الله؛ تاریخ ادبیات درایران جلد دوم ص ۲۴۸-۲۴۹ و ۲۵۰ تهران ۱۳۵۶

۵- جوینده میراحمد؛ باستان شناسی افغانستان، تألیف «الچین» و «هموند» مجله هرات باستان شماره دوم ص ۲۷ کابل ۱۳۶۱

۶- ظفر- ملیحه فضل مترجم مدرسه شاه مشهددربادغیس، برنت کلاتزر، مجله آریانا شماره چهارم ص ۱۸ سال ۱۳۶۱

۷- غواص - محمد علم؛ مسجد جامع هرات، مجله هرات باستان. شماره چهارم ص ۱۸ سال ۱۳۶۱

۸- نیر- انور؛ محیط علمی، ادبی وهنری هرات درعصرامیرعلی شیرنوابی، مجله هرات باستان شماره چهارم ص ۵۳ سال ۱۳۶۱

۹- ثابت - محمد ابراهیم؛ شهاب الدین غوری ص ۱۵۹ کابل ۱۳۴۴ به نقل ازتاریخ فرشته. جوزجانی ایضاً ۴۶۱

۱۰- اکبرآبادی - انتظام الله شهبانی؛ تاریخ سلاطین هند، جلددهم، حصه اول چاپ دوم ص ۹۶-۹۷ دهلی ۱۹۶۶

۱۱- خوند میر- غیاث الدین بن هماد الدین الحسینی، فصلی از خلاصه الاخباربامقدمه، حواشی و تعلیقات ازگویا اعتمادی چاپ دوم ص ۲۵ کابل ۱۳۴۵



صلح، آزادی و استقلال بمناسبت ۲۸ اسد روز استقلال کشور

به همین قسم آزادی و یا بقول خود ما استقلال زمانی به معنای حقیقی آن تعریف میگردد، که نه ما و نه دیگران به حدود و امور دیگران مداخله داشته باشیم، تداخل در امور دیگران بهر شکل و صورتی که انجام می پذیرد آزادی آنرا زیر سوال قرار میدهد، چه این مداخلات صورت اقتصادی، فرهنگی علمی، و یا سیاسی را داشته باشد، همه منکوب کننده ی آزادی بوده و بر استقلال دیگران تداخل پنداشته می شود.

آقای جهان بین در ادامه می نویسد: «باند های تبهکار، تروریزم در هر شکل آن، گروه های مافیایی، لشکر های تا دندان مسلح و انبار های تسلیحاتی و رقابت های خود برترینانه، همه و همه اهداف و مقاصد دارنده صلح واقعی برای انسان را زیر سوال می برند، در ایالت متحده آمریکا و اروپا، همان های که گویا از امنیت برخوردارند از صلح لذت می برند، بطور ناگهانی مورد تهاجم قرار گرفته زنده گی خود را از دست میدهند.

از همانقاره های دموکراتیک، بخاطر اهداف و مقاصد پنهانی چندین بعدی در سایر کشور ها آتش جنگ افروخته می شود و انسان آنها که گویا از صلح و آزادی برخوردار است، به خاک و خون کشیده شده، جانهای خود را از دست میدهند، که این

ای بسا هندو و ترک هم زبان ای بسا دو ترک چون بیگانگان پس زبان همدلی خود دیگر است همدلی از همزبانی برتر است

استقلال در فرهنگ لغات داکتر محمد معین به معنای: برداشتن و بلند کردن (غم)، بلند آمدن و بجای بلند آمدن (غم)، ضابط امر خویش بودن، بخودی خود کاری برآستاندن بپای خود. و محمد آقا ذکی در صفحه انترنیتی خویش تعریفی دیگری از استقلال دارد به شرح آتی:

استقلال درست به معنای استقلال ملت است. در نبود آزادی سیاسی، آزادی رشد اقتصادی، آزادی توسعه فرهنگی، آزادی نظامی و دیگر ارزش های که برای حضور یک ملت مستقل و آزاده ضروری ست، استقلال جامعه و کشور هیچ مفهوم و معنایی ندارد. استقلال برای انسان در شکل فرد و یا ملت به معنای آزاد بودن از سلطه و اسارت تحمیلی فرد، گروه و یا ملتی دیگری است.

هربرت مارکوزه می نویسد: آزادی تلاش خردمندانه آدمی در جستجوی حادته هاست، در پیوند به این تعریفات می خواهیم رابطه استقلال با صلح و آزادی خواهی مقاله کوتاهی را در این شماره از شنسبانه به دست نشر بسپاریم .

محمد رسول جهانبین در کتاب «کی ها انسانهای برتراند» می نویسد: «زندگی همراه با آرامش، محبت، صمیمیت و احترام متقابل صلح است که صرف با تأمین و تحقق عدالت میسر شده می تواند.»

صلح یک ارزش انسانی است که برای انسان امکان میدهد از آزادی که حق طبعی اوست، برخوردار باشد، صلح نشانه تعالی انسان است که با فهم و درک واقع بینانه قادر می شود به دست یافت، به جنگ، خشونت و تشدد مبادرت نرورد و با استفاده از خرد، هوش تدبیر گفتمان و تفاهم به اهداف و مقاصد انسانی خود برسد.

صلح و آزادی واقعی تنها زمانی برای انسان و بشریت میسر شده می تواند که عدالت در جهان حکمفرما باشد، تا زمانی که اختلافات سیاسی، ایدئولوژیک، اقتصادی، فرهنگی، مرزی، نژادی، زبانی قومی و..... در زندگی بشریت پررنگ است، از صلح و آزادی واقعی انسان نمی توان دم زد.

خود صلح آن قاره را زیرسوال می برد.

اگر سلاطین، زراندوزان، خود کامه ها، تیکه داران دیوانه قدرت و تبعیض طلبان به خاطر جاه و جلال و سلطه خود قلمرو سازی نمی کردند، برای تحقق اهداف و مقاصد خود خواهانه، گروه ها، اقوام و ملت ها راجان هم نمی انداختند، امروزه جهان و بشریت بامعضل و مشکلی که صلح را به یک ارزش آرمانی مبدل کرده است مواجه نمی بود.

یقیناً آزادی فقط یک آرمان انسانی است که در روی زمین زمزمه می گردد، آزادی انسان مربوط است به محیط ماحولش هرگاه محیط نا امن و پراز مخاطره باشد، آزادی معنایش را از دست داده و صلح نیز در این محدوده به غلاف حلزونی اش مہار می گردد، آزادی زمانی میسر است، که همان دموکراسی های به اصطلاح مد روز به یک واقعیت عینی مبدل گردد و مردم محیط زمانی به آزادی نایل می گردند که تداخل در امورشان در راستا های مختلف قطع و روابط انسانی در همه موارد جامه ای عمل پوشد.

به قول شاعر: «سنگ تهداب گرنهد معمار کج» تأثیرا می رود دیوار کج» متأسفانه کج روی ها در عصر کیهان، اتم و دموکراسی نیز بانفاوت در رنگ و رقم و خرام ادامه دارد، جوامع و کشور های توسعه نیافته را با هزار تفتین و مکرو حقه عقب نگه میدارند، تا منابع و ثروت های دست نخورده آنها برای غارت دست نخورده بماند.

جنگ می افروزند و از آب گل آلود ماهی میگیرند، این رویه و رفتار قطعاً با صلح و آزادی واقعی سازگار نیست، آزادی (استقلال) واقعی آنست که هر طوری بخواهی زندگی کنی و برای دیگران مضرواقع نشوی، با دارد و دریغ که زندگی بازاری آزادی را از انسان گرفته است، انسان باید با بازار سازگار شود یا بتواند زندگی کند، اگر انسان اسپر سود سرمایه بازار است، پس اسپر نمی تواند دم از آزادی بزند!

آنها ای که از فرمان بازار سر باز می زنند، در واقع حکم مرگ خود را صادر می کنند، انسان می خواهد قبل از همه انسان باشد در حالیکه بازار انسان را در پروسه تولید به ابزار کالا مبدل ساخته است، انسان مجبور است و مجبوریت، نه صلح است و نه آزادی.

تصادفی نیست که صلح و آزادی به عنوان ارزش های انسانی پذیرفته شده اند، صلح و آزادی درست در تقابل با مجبوریت قرار دارند که امروزه حتا زندگی برای بیشتر انسانها مجبوریت شده است، سعود روز افزون خود کشی هادرسراسر جهان نشانه ی است که انسان از صلح و آزادی برخوردار نیست و تحت فشار های توان فرسای روانی، ناشی از بی عدالتی قربانی می دهد.

اگر در جهان یا جای جای جهان صلح بود، پس قوای مسلح استخبارات و تسلیحات و توجه پیوسته به مدرن سازی تسلیحات چه معنی دارد؟ بیشترین صلح را برای جنگ می خواهند تارفع خستگی کرده به جنگ پردازند؛ زیرا صلح به زبان آنهاست و تنها با ماشین جنگ می توانند، سود بیشتر بدست آورده، اهداف و مقاصد خود را تحقق بخشند آنها میدانند که بدون جنگ ابتذال و بیهودگی شان برملا

میگردد و در عرصه ی زندگی کمرنگ و بی ارزش می شوند.

همان طوریکه گفتیم، صلح با عدالت تأمین و میسر می گردد و متأسفانه نشانه های از کوشش برای تأمین عدالت در جهان به نظر نمی رسد، زیرا عدالت با خود برتر پنداری، خود کامگی زور گویی و خود خواهی که در دستور زندگی قدرت های مهم جهان و منم گویان کشورهای توسعه نیافته و روبه توسعه قرار دارد، تأمین و تحقق یافته نمی تواند.

آنهاییکه برای صلح و آزادی وفادار نیستند و نیز برای آن مبارزه نمی کنند، هنوز حق خود را ثابت نکرده اند، مزید بر آن کسانی که در تقابل با صلح و آزادی قرار دارند، نباید مدعی انسانیت باشند، جنگ نتیجه حماقت و صلح محصول فضیلت است.

مقاله کنونی به پیشواز ۲۸ اسد روز استقلال افغانستان تهیه شده، نظر به پالیسی ماهنامه شنسبانه نشر همچو مقالات که دارای پهلوی های سیاسی است در ماهنامه مجاز نیست اما استقلال کشور عزیز ما یک پروسه ی طولانی مدت جنگ نا برابر، همت سرشار نیاکان ما و دست آورد بی بدیل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی و اقتصادی در تاریخ زمان بود، امروز ما که در حالت دیگری قرار داریم و کشور ما آزمونگاه سلاح های مدرن و هر روز مدرنیزه شده قرار گرفته و از جانبی عوامل جنگ ها، کندی روند صلح و ندانم کاری بسا مسئولین در کشور در می آفرینند، بر آن شدیم تا تنها به تبریگی استقلال کشور!!! نپرداخته و تحمل اندکی درباره صلح و آزادی داشته باشیم، البته در شماره های بعد روند نشراتی ما بروال عادی و مطابق پالیسی ادامه خواهد داشت.

منابع

۱- محمد رسول جهان بین؛ کی ها انسانهای بهتراند، ص ۱۷۵

۲- فرهنگ لغات دوکتور محمد معین

۳- صفه انترنیتی محمد آقا ذکی

شکوهی مردن در قفس نیست، هم زندگی در آزادی معنا می یابد و هم مرگ.

میرحسین سادات غوری

ای کار همه ز تو فراهم
چون مرحم جملهء مراهم
ز آن پیش که بیند آرزویم
از روی کرم ده آرزویم

۱۰- نزهت الارواح

این کتاب به طریق نثر شیوا، منسجم و دل انگیز نوشته شده، سطری در آن یافت نمی شود که خالی از صنایع لفظی (ادبی) باشد، کلمات عاشقانه و عارفانه در او کار گرفته شده، مرجع مزین به ذکرایات و اخبار است، دارای (۱۴۸) صفحه می باشد، به سال (۷۱۱) نوشته شده در مطبعه مجتبیای دهلی به کاغذ سبز چاپ گردیده، این اثر در بیست و هشت فصل تدوین شده، در فصل اخیر که ختم کتاب هم است در قالب شعر چنین آمده:

به یک رشته دریای تفکر
کشیدم نظم را بانثر چون در
بسی مغز حقیقت یابی ایدوست
که پنهان کرده ام در زیر این پوست
در آن ساعت که می کردم تمامش
نهادم نزهت الارواح نامش

از فضل آن جان و دل باز رهیم، علمی که
عطا کرده ای به عمل رسان و به یقین که
راه نموده ای به امل برسان.

ای کار همه ز تو فراهم
چون مرحم جملهء مراهم
ز آن پیش که بیند آرزویم
از روی کرم ده آرزویم

فصل های این کتاب، هر کدام مبین مطالب خاص می باشد عبارت اند از:

- ۱- در ابتدای سلوک ۲- در معرفت سلوک ۳- در مقامات سلوک
- ۴- در نصیحت سالک ۵- در بدو خلقت ۶- در بیان وحدت
- ۷- در تجرید سالک ۸- در قاعده طریقت ۹- در کمال استغنا
- ۱۰- در آغاز فطرت ۱۱- در بیان اختلاف حالات ۱۲- در بیان دل
- ۱۳- در تصفیه دل ۱۴- دیباچه عشق ۱۵- در حقایق عشق
- ۱۶- در بیان عشق ۱۷- در حیرت عشق ۱۸- در مخاطبه نفس
- ۱۹- در بیان معاملات - ۲۰- درجه اجتهاد - ۲۱- در صحبت و متابعت
- ۲۲- در ترک محبت خلق - ۲۳- در صبر و تسلیم - ۲۴- کشف معانی سلوک - ۲۵- در ارشاد و انتباه - ۲۶- در ارشاد اهل طریقت - ۲۷- در نهایت اصل طریقت و - ۲۸- در ختم کتاب.

میرحسین سادات که از نثر و نظم بهره زیاد برده در قسمت کتاب نزهت الارواح بسیار ظریفانه نثر و نظم را پیهم آورده قدرت نمایی می کند، نثر و نظم آن هر دو به عنوان مناجات بدرگاه قاضی الحاجات و استدعا بوصول مرام است و این طور آغاز می گردد:

خرد سر رشته گم کرد از تحیر
یقینی ده مراورایی تغیر
فضولی می کند نفس بداندیش
تودانای که مجروح ازین ریش
دل را در غم خود شادی ده
به خویش از بند خود آزادی ده
درون را بی تمنای برون دار
به آمد ده نمی گویم که چون دار

« ملکا، پادشاه زبان مارا از هر چه زیان ماست خاموش گردان قالب را به توفیق هدایت کرداری ده، و قلب را از تلقین عنایت گفتار بخش و بردل ما هر چه سبب زل ماست فراموش گردان نوری ده که ظلمت آب و گل را بر باد دهیم، حضوری بخش



وقتی ده که اندوه گذشته نخوریم
حالتی ده که رنج مانده نبریم، به
غرور وقت و حال رامه‌جور مکن، به
گمان نزدیکی مارادور می‌فکن گرهی که
نفس بندد بگشا، راحتی که روح خندد
بی‌فزا؛

ای خالق خلق عالم و غیب
مائیم و دمی و عالم غیب
ای از نظر تو کنار ما راست
آراسته، تو هر چه ما راست
عذر همه لطف تو پذیرد
کس را نکنی تو از بدی رد
رحم آر که جمله بی مداریم
سرمايهء امیدو بیم داریم

بی‌خمار تشبیه و تعطیل دم توحید روزی کن، بی‌شمار نفی و اثبات قدیم تجرید ارزانی دار، شکستگی مارابه
اعتقاد درست پیوند کن و آسودگی مارابه یقین خالص بدل گردان، غفلتی که رفت برمامگیر، طاعتی که آمازما
بپذیر، نفس را بر نفس برام دری ده، قدم مارا بانظر برابری ده.

دمی نقدم فراغی بخش زین درد
غم فردا دوی تاکی توان خورد
بپاش اندردلم تخم سعادت
بکن بنیاد رسم و بیخ عادت

الهی به این و آنم مگذار که مراداغ تست، اگرچه باغی ام، کرم درباغ توست میدانی که نفس عامی آلوده
ای معاصی است و ارتکاب مناهی تا متناهی، امیدوائق است اگرچه طاعت نیست، عزیمت صادق است
اگرچه استطاعت نیست، اندیشه را پای کند است و زبان لال، تقصیر از عاجز می آید نه ملال.

برگرفته از:

مایل هروی؛ شرح حال و آثار میرحسینی غوری، چاپ ۱۳۴۴ مطبوعه دولتی کابل

ارتباط اجتماعی

آنان نیست، پس زبان ابزاری در ارتباط اجتماعی و جزئی از دنیای نمادها است، لیکن، در بسیاری از موارد ظرفی است که گنجایش منظرفی غنی و سرشار به نام پیام انسانی ندارد. برای بهتر شدن ارتباط اجتماعی می توان از گام های ذیل بصورت ابزار های ارتباطی کار گرفت که بصورت حتم می تواند روابط ما را با دیگران بهتر و ثمر بخش تر سازد:

۱- وقتی در حال تقویت روابط اجتماعی هستید سعی کنید صادق و بی ریا عمل کنید.

تمایل به ریا و دورویی سبب افت عملکرد شما می شود. صداقت و پاکی سبب افزایش توانایی و اعتبار فرد می شود. چون کسی که نقش بازی می کند هرگز نمی تواند رفتاری شخصی را داشته باشد که از ته دل به دیگران محبت می کند.

۲- یکی از مهمترین تمرین های خود سازی تمرین «شنونده خوبی بودن» است.

برای بدست آوردن محبت و اعتماد افراد باید شنونده خوبی باشید و با آنها صحبت کنید. فقط به صدای طرف مقابل گوش ندهید، بلکه با قلب خود این صحبت ها را پذیرا باشید. با افرادی که صحبت می کنید ارتباط چشمی برقرار کنید. طوری به حرف های افراد گوش کنید، که گویی هر کلمه از حرف های آنها را می شنوید.

۳- با صدای بلند بخندید و زندگی را خیلی جدی نگیرید.

من نمی گویم با هر صحبت بی مزه ای خود را وادار به خندیدن کنید. بلکه سعی کنید در هر کاری کمی طنز چاشنی کنید. و آن را خیلی جدی نگیرید. یک شخص شوخ طبع افراد و همینطور موفقیت را جذب می کند.

۴- قسمتی بزرگی از خودسازی دوست داشتن خود است.

بسازید، ارتباط اجتماعی نمی تواند تأمین گردد، بلکه سبب می شود تا رشته ی ارتباط را که برقرار گردیده از دست دهید، بطور مثال؛ شما در جمعی از مردم قرارداد داشته سوالي را برای کسب معلومات مطرح نموده، اما قبل از آنکه ذهن شما معطوف بجواب گردد خود را به چیزی دیگری مصروف می سازید، این جاست که شما نتوانستید اعتماد اجتماع را کسب نمائید.

در هنگام تأمین ارتباط خلاصه پردازی و همدلی با طرف یا طرفهای مقابل یکی دیگر از فرز های است که هدف را کوتاه تر و روابط را مستحکم تر می سازد و در فرجام یک گوش کننده ی خوب باشید به این معنا که هر چه طرف مقابل بصورت پیام ارائه میدارد بدقت گوش نمودن، ممکن است در پیام اشتباهات کوتاه نگری ها، سخت گیری ها و مشکلاتی عرض اندام نماید، اما گیرنده ی پیام می تواند با تحلیل مشخص که بتواند به اصلاح پیام ورد ابهامات و اشتباهات بصورت خاص بپردازد عمل نماید و فرستنده پیام را با ملایمت و احترام به اشتباهاتش متوجه سازد.

در روند ارتباط بناید فراموش کرد که زبان با همه اهمیت آن نه تنها ابزار ارتباطی است، و نه کامل ترین آن، زبان تنها وسیله ارتباطی نیست، چون دردنیای گسترده ی نمادها، یک علامت، یک نگاه حاوی معنای است که ایجاد کننده ارتباط عالی میگردد، زبان در شرایط کنونی کامل ترین وسیله نیست، چون پیام های انسانی، مخصوصاً آن گروه و یا دسته از پیام ها که در چهارچوب عواطف جای میگیرند، چنان کیفی، عمیق و پچیده اند که هیچ کلامی، سخنی یا زبانی را یارای گنجاندن همه محتوای

این ارتباط بصورت خاص به ارتباطی گفته می شود که موجبات انتقال معانی یا پیامهای دربین یک جمعیت را فراهم می سازد، این ارتباط می تواند چند عنصر ارتباطی را دربر داشته باشد در این جا ما از دو عنصر کوچک نام می بریم: یکی ازین عناصر وجود بیش از یک نفر در جریان ارتباط از هر سو (فرستنده و یا گیرنده پیام) می باشد، عنصر دیگر وجود نشان ها یا نماد های که حامل پیام اند در این میان زبان یکی از مهم ترین ابزار ارتباط اجتماعی است، نمادها را چگونه می توانیم مشخص نموده و اصل پیام را از آن اخذ نمائیم؟

اگر به نشانه ها و علائم ترافیکی در شاهراه ها متوجه شویم بوضوح نماد ها چگونگی سیرو حرکت ما را در شاهراه تنظیم می نمایند تا بارعبایت آن نماد ها بتوانیم مسافرت مصئون از خطر داشته باشیم و تابلو ها. بیل بوردهای تجارتي که همه ارتباطات اجتماعی را تمثیل می نمایند، انسانها بذات اجتماعی آفریده شده و در اجتماع رسالت انسانی داشته و بعد کمال رسیده اند، برای تحکیم بخشیدن به ارتباط اجتماعی اصول ذیل برای هریک از ما کمک می کند تا فرآیند روابط مانرا با همدیگر بصورت خوبی تحکم بخشیم؛

متوجه زبان بدن مان باشیم، یعنی هنگام تأمین رابطه طرف مقابل را متیقن بسازیم که با او مخاطبیم و حرفهایش را بدقت می شنویم به همین منوال طرف را به گفتن قصه هاویا ضرب المثل ها متوجه روابط خود نمودن، حرف پیام دهنده را به نحوی تکرار کردن تا شخص پیام دهند مطمئن گردد که شما دارید کاملاً صحبت هایش را می شنوید و یا در مقابل یک جمع بخواست آنها عمل می کنید.

حواس شما در جریان ارتباط جمع و فقط به چشم مخاطب نگاه کردن، هرگاه در جریان ارتباط به کدام وسیله ی چون قلم، مایل، کلید و زنجیر خود را مصروف



شبکه های اجتماعی توانسته اند ارتباطات وسیع را برای مردم فراهم کنند

۸- روابط خود را تقویت کنید.

روابط شما با خانواده و دوستان و افرادی که نقش مهمی در زندگی شما ایفا می کنند، نباید مورد غفلت واقع شوند. با این افراد بیرون بروید و ساعات خوشی را با هم بگذرانید. کارهای دلپذیری را با هم انجام دهید تا زمانیکه افرادی که برای شما اهمیت دارند (خانواده و دوستان و ...) پشتیبان شما باشند. شادی شما را ترک نخواهد کرد.

و در پایان روابط خوب شما با دیگران به شما کمک می کند تا توانایی های فردی خود را افزایش دهید و در عین حال به عنوان یک فرد دوست داشتنی در موقعیت یک فرد برنده قرار گیرید. البته موقعیت شما برنده — برنده خواهد بود (برای شما و دیگران) دوستان شما می دانند که هر گاه احتیاج به کمک داشته باشند می توانند به شما تکیه کنند.

اکنون شما درباره خودسازی شاخص هایی بدست آورده اید و می توانید به آنها عمل کنید ولی بدون عمل نمی توانید از آنچه آموخته اید بهره ببرید.

ژرژمیل در کتب « زبان ارتباط » چهارهدف را برای ارتباط اجتماعی برگزیده است : ۱- یکسان کردن اطلاعات ۲- یکسان کردن افکار عمومی ۳- دگرگونی سلسله مراتب گروهی و ۴- اظهار انتقال حالات عاطفی.

ادامه دارد

در فرایند تقویت روابط اجتماعی ممکن است آنقدر خود را غرق در توجه به دیگران نکنید، که از خود غافل شوید. و به هر کسی اجازه دهید شما را به کارهای مختلف وادار کند. همیشه بخاطر داشته باشید قبل از هر کسی برای خود ارزش قائل شوید و به خود احترام بگذارید. اگر شما خود را فرد قابل احترام و باارزشی بدانید. افراد به سمت شما خواهند آمد به جای آنکه برای اهداف خود بر روی شانه های شما پا بگذارند.

۵- شخصیت خود را پرورش دهید.

آیا شما بد اخلاق، ترش رو و اخمو هستید. با این حالتها نمی توانید وارد زندگی شوید. از شر رفتارها و عاداتهای بد خود خلاص شوید. چون آنها یکی از بزرگترین موانع پیشرفت شما هستند. چه کسی یک دوست بد اخلاق می خواهد؟!

۶- وقتی در حال کار برای خودسازی هستید به خود اطمینان داشته باشید.

توانایی چرخیدن در اطراف اتاق و معرفی خود همراه با لبخند یک فرد برنده متجر به افزایش اعتماد به نفس شما می شود. و بخاطر داشته باشید به جای غرور و خودبینی به خود اعتماد کنید .

۷- یکی از نموده های خودسازی کنترل خویشتن است.

زمانیکه عصبانی می شوید داد و بیداد نکنید. آرام و متین باشید. برای کنترل وضعیت موجود و تبدیل خشم خود به چیزی مولد و مثبت باید به اندازه کافی پخته باشید.

دل حرف

آزادی چهار باغ دهزاد

بگذارید خدارا
دلّم و بایسکلم
من ومخروبه بیداد زمان
من ومحدوده ی ملک پدرم
گر خراب واگر خوب بحالش باشد
روزگاری بهمه رنج تعب
اودر آغوش پراز مهر عطوفت من را
پرویدست بناز و نعمت
ولی امروز، که دیوارودرش ریخته است
قارمق دررگ جانم باشد
پاسبانش هستم
که همه عزت من
حشمت و عظمت آبابی من
فقط این است فقط
آری!
زود یادیرترک من بدست خودم آبادکنم
که ثباتی نبود کرده ی اهریمن را
وانگهی بادل شاد
زیرچترش بنشینیم همه با همدیگر
شکرای بار خدایا! که شد آباد بدستم
وبه مردانگی هموطنم
جشن آزادی و عزت
همه آنروز بگیریم.

الای میهنم، ای آریانای کهن، افغانستان من
همیشه نام تود دفتر تاریخ نیکو باد!
توبر من برتر از هر کشور دنیا
دلار اتر زهر باغ جهان آرا
تومیراث قدیم در لوح تاریخ زمان
چون تاج الماس و نگینی از عقیق روشن و زیبا
ز خاور از بلندی ها،
طلوع صبح صادق گواه در آسیا بودی
توای جسم و روان و جان من ای کشور آزادگان؛
ای نازنین خاکم؛
توای گنجینه ی والا گهر میراث اجدادم
توسردادی

ولی هر گیز ندادی تن بهر طاعوت و هر مکار
دریغا حسرتا ای وای!

که طوفان حوادث در مسیر تند باد زشت
و شاید زمان دست شقاوت را؛

ز آستین حسادت تخم کین اندر میان افکند
و فرزندان پاکت طعمه ی این تخم کین گشتند

کنون بس سالها مام وطن رنجور و بیمار است
به دشت و وادی و کوه چمن

کشت نفاق حاصل خارا است

هنوز از خون فرزند وطن کی خصم سیراب است؟
هنوز چشمان ناجی وطن در عالم خواب است

ولی دانم:

به امید خدا روزی

نفاق و کینه از دامان فرزند وطن شستار خواهد شد
بدشت و دامن کوه چمن

کشت محبت حاصل گلزار خواهد شد

دیگر مام وطن دل شاد خواهد شد.

زمین و کلبه ی آوارگان آباد خواهد گشت
دعا گویم

دعا در حق اولاد وطن، حق دیار خویش

بدرگاه شهنشاه جهان، الله سبحان، خالق منان:

تورا هر خانه و هر قریه و شهر و ولایت را

و فرزندت زهر قوم و زهر مذهب

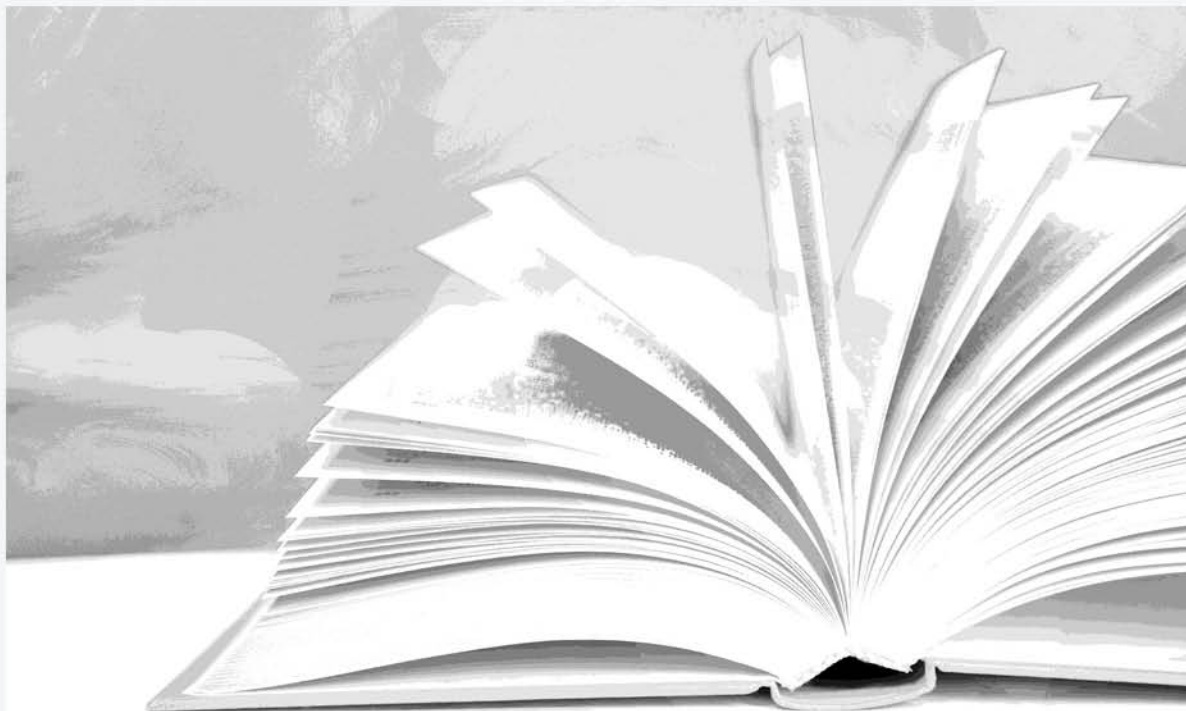
ز آسیب زمان و هر مصیبت و ظلم استبداد

ز قید هر ستم، هر فتنه و آشوب

همیش آزاد و خندان باد!

همیش آباد و شادان باد!





شعر و شعر شناسی

اگر بصورت مقدمه گفته شود، هیچ چیز در دنیا مطلق نیست، همه چیز در زمان و مکان و به نسبت اشخاص و در سالهای متفاوت عمر و خصلت های مختلف، معلومات ادبی، کلی احساسات ملی، مذهبی و طبقاتی گوناگون نسبی است، شعر هم از این قاعده کلی بیرون نمی باشد.

میدهد:

شعردانی چیست؟ مرواریدی از دریای عقل
هست شاعر آنکسی کاین طرف مروارید سفت
صنعت وسجع و قوافی هست نظم و نیست شعر

ای بسا ناظم که نظمش نیست الا حرف مفت

شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب
باز در دلها نشیند هر کجا گوشی شفت

ای بسا شاعر که او در عمر خود نظمی نساخت

وی بسا ناظم که در عمر خود شعری نگفت

در ادبیات فارسی دری (شعرا اصطلاحی)
گذشته از اینکه باید دارایی صفات شعری
باشد، باید منظوم هم باشد، اما در این
بیت آخر (بهار) بیان دیگر دارد.

(پمپیدو) رئیس جمهور وقت فرانسه با
انتقاد ادیبان کشور خود ضمن مقاله ی
نوشته بود: « گرچه شعر در همه جا و همه
چیز می توان یافت، لیکن بهترین آن
در آثار شاعران باید جست، هنر شاعری
در نظر من دشوارترین و بنابراین ممتاز
ترین هنرهاست... اما رقت انگیز است

در دوران زندگی خود دیده ایم که خوبی
و بدی، زشتی و زیبایی چیزها چه در نظر
خود مان و چه از نظر عمومی تاحدی
پیرو سبک و روش روز، زمان و مکان است
که در اصطلاح امروز با کلمه انگلیسی
(فرنگی) آنرا «مد» گویند، این کلمه
چون عملاً در زبان مابذیرفته شده است
استعمال می کنیم.

وقتی به اشعار دوره های گوناگون بنگریم
، می بینیم که دوران های مختلف شعر
هم تاحدی تابع همان (مد) بوده است
که آنرا (سبک) تعریف کرده اند، صنایع
بدیع نیز در زمان های مختلف کم و
بیش شعر را بدانه آرایش میداده اند
مانند زیورآلات می باشد که زنان خود را
بدانها می آرایند، اما این گونه زیورآلات
زن زشت را زیبا نمیکند، صنایع بدیع هم
شعر بد را خوب نمی نماید.

قبل از اینکه در قسمت (مد) یا سبک
شعری چیزی بدانیم، خوب است تا بفهمیم
که شعر چیست و شاعر چیست؟ ممکن
است هر شخص جملاتی را در یک قالبی
تزیین نموده نامش را شعر بگذارد و خود را
با سرودن یک و دو نظم گونه شاعر بداند
بهتر است این موضوع را از ملک الشعراء
بهار بیاموزیم که در مورد چنین پاسخ

سرنوشت شاعران و بسیاری که هزاران
بیت ساخته اند و حتی یک بار در ایجاد توالی
هشت یا ده هجا که شعر حقیقی را بوجود
می آورد، توفیق نیافته اند... پس شعر
چیست؟ کیست که بتواند این پرسش را
پاسخ بدهد؟»

به گفته نویسنده دیگر فرانسوی :
(شعر شمارا مستقیم وادار به تحسین
چیزی یا شخصی می کند که خود آن چیز
یا آن شخص قابل تحسین نیستند.)

نظامی عروضی سمرقندی در چهارمقاله
شاعری را کاملاً وصف کرده است آنرا
صنعتی دانسته که : (شاعر معنی
خرد را بزرگ و معنی بزرگ را خرد و نیکورا
در خلقت زشت و زشت را در صورت نیکو
جلوه دهد.)

حقیقت همین است، آن مدایحی که
فرخی، عنصری، انوری و قانانی با آن همه
مبالغه درباره پادشاهان و بزرگان معاصر
خود گفته اند و مورد تحسین اشخاص
زیادی هست، آیا خود آن کسانی که مورد
ستایش بوده اند، آن اندازه در خور ستایش
می باشند؟ هرگز!

هیچ یک از زیباییان ترک و تاجیک

سعدی، عرب دارمن نظامی که درباره آن داد سخن داده اند به زیبایی اشعار خود آنان نبوده اند شاعران اند، که ایاز شرین، لیلی و عذرا را بلند آوازه کرده اند.

عطف بر موضوع

شعر انواعی دارد؛ از شعر «غنایی» و عاشقانه، اهل دل و ذوق بیش از اهل فن لذت می برند، اهل فن اینگونه شعر را بیشتر از لحاظ هنر و صنعت صراف می کنند، ولی اهل دل آنرا حس می نمایند، آنان با زبان زبان و اینان با زبان دل تحسین می کنند. لذت بردن و درک اشعار حماسی و وطنی برای کسانی که درد وطن دارند میسر است و اشعار صوفیانه برای اشخاصیکه عارف مسلک اند بیشتر مؤثر می باشد، بهر حال شعر باید «معنی» داشته باشد، البته بدون الفاظ معانی را نمی توان بیان کرد پس هر قدر لفظ معنی لطیف تر و متناسب با هم باشد شعر زیبا تر خواهد بود.

تناسب هم چیز است که در کارهای هنری از قبیل شعر، صورتگری (نقاشی) و پیکرتراشی مؤثر می باشد و باید رعایت شود بطور کلی، کی صلاحیت دارد که شعر خوب را از بد باز شناسد، عوام یا خواص؟ میزان و معیار شعر شناسی چه باید باشد؟ لذت یافایده؟ خوبی معانی و مضامین، یا زیبایی الفاظ و آهنگ آنها؟ در نظر اول ممکن است تصور شود، شاعران هستند که «شعر خوب» را از شعر بد تمیز می دهند، زیرا شعر را بعضی موضوع فنی میدانند و معتقداند، تشخیص خوب و بد آن نیاز به کارشناسی و خبرگی دارد و کارشناس آن شاعران اند.

تأحدی این نظر درست است، چونکه شعر جنبه فنی و صنعتی هم دارد، اما شعر قبل از آن هنر است و از هنرهای زیبا می باشد و جنبه حسی و ذوقی دارد، از شعر باید اکثریت اهل زبان لذت و فایده ببرند و مورد پسند خاطر و دلچسپ مردم باشد.

منظور میانگین مردم اند، نه دانشمندان قوم و نه مردم بی سواد، بلکه کسانی که سواد و ذوق سلیم و فهم مستقیم دارند یعنی کسانی که خود معنی شعر را می فهمند و برای فهم آن احتیاجی به غیر ندارند، ولی لزوماً شاعر و عالم نیستند، اما اگر بودن چه بهتر؛ دیگر آنکه در سالهای مختلف عمر، نوع خاصی از شعر به انسان لذت میدهد.

در عمل دیده ایم که دو دسته اشخاص با شعر شناسی ارتباط دارند: یکی شاعران و ادیبان که به فنون شاعری آشنا هستند و دیگری کسانی که شعر نمی گویند و اطلاعی هم از فنون آن ندارند ولی ذوق ادبی دارند و شعر هم دوست میدارند و از آن لذت می برند.

مرور زمان در شعر

امور دنیایی تأحدی مرهون زمان است، همان گونه که در قضائیات و جزائیات قانوناً مرور زمان داریم، در ادبیات هم عملاً مرور زمان ادبی وجود دارد، چه در نشر و چه در نظم، بعضی صفات که در شعر گذشته بیان می شد مانند (در نادری) و یا صفات دیگر که درباره حکام و زورمندان صورت میگرفت امروزی ها چه شاعر و چه غیر شاعر آنرا نمی پسندند و حتی بخواندن آنهم وقت شانرا ضایع نمی کنند، ممکن این حرفها در زمان خودش مورد قبول و حتی استقبال هم قرار میگرفت

همچنین است (سبک هندی) در نظم که هنوز گویند گان و طرفداران دارد، سبک انوری و قانانی هم در مدیحه سرایی با مبالغه های زیاد، باور نکردنی که روزی خیلی مطلوب بوده و برای آن صله میداده اند، امروز تقریباً متروک گردیده است معمولاً همه مردم قدر شعرای زمان خود را نمی دانند و وقتی مردند، بر آنها افسوس میخورند، شاعری در قرنهای پیش این حالت را نیکو بیان داشته :

چو صاحب سخن زنده باشد سخن

به نزد همه رایگانی بود

یکی را بود طعنه بر لفظ او

یکی را سخت در معانی بود

چو صاحب سخن مرد آنکه سخن

به از گوهر و زر کانی بود

خوشا حالت خوب صاحب سخن

که مرگش به از زندگانی بود < محمد بن نصر >

البته باید مردگان مورد احترام باشند، اما نباید مرده پرستی کلی جاگیزن قدر شناسی از زندگان شایسته و خدمت گذار حقیقی جامعه باشد.

تعریف ها و تملق ها که درباره زورمندان زنده می کنند، همان بهتر که نکنند و بهتر است قدر دانشمندان زنده را نیز دانست و آنان را به ادامه ی خدمت گذاری تشویق کرد، مرور زمان هم بر خود شاعران مؤثر است و هم بر شعر آنان، مدت مرور زمان ادبی تفاوت دارد بیشتر شعرهای سعدی مشمول مرور زمان نشده، خوانندگان از آن لذت و فایده می برند، خیلی از قصاید در گذشتگان که در مدح سلاطین است، حتی آنان که از زمان ماچندان دور نیستند و گویندگان قادری بوده اند، مانند قانانی به تدریج مشمول مرور زمان شده یا می شوند یعنی مردم دیگر آن علاقه را بخواندن اشعار آنها نخواهند داشت.

و دیگر اینکه باید شعر و شاعر سالها بگذرد، تا بتوان بی حب و بغض که از امور جاریه زمان است، انتقاد و قضاوت درست نمود، حتی سعدی و حافظ که دونفر از شاعران بزرگ بوده، در عصر خویش از طرف حسودان، رقیبان و مدعیان مصنون نبوده اند، خود شعر های زیادی در این باره سروده اند.....

ادامه دارد.....

منبع:

داکتر محمود افشار؛ کتاب اول، گفتار ادبی، تهران ۱۳۵۳ هـ ش

آزادی واژه‌ها



غلام رسول مبین

بمناسبت روز استقلال کشور

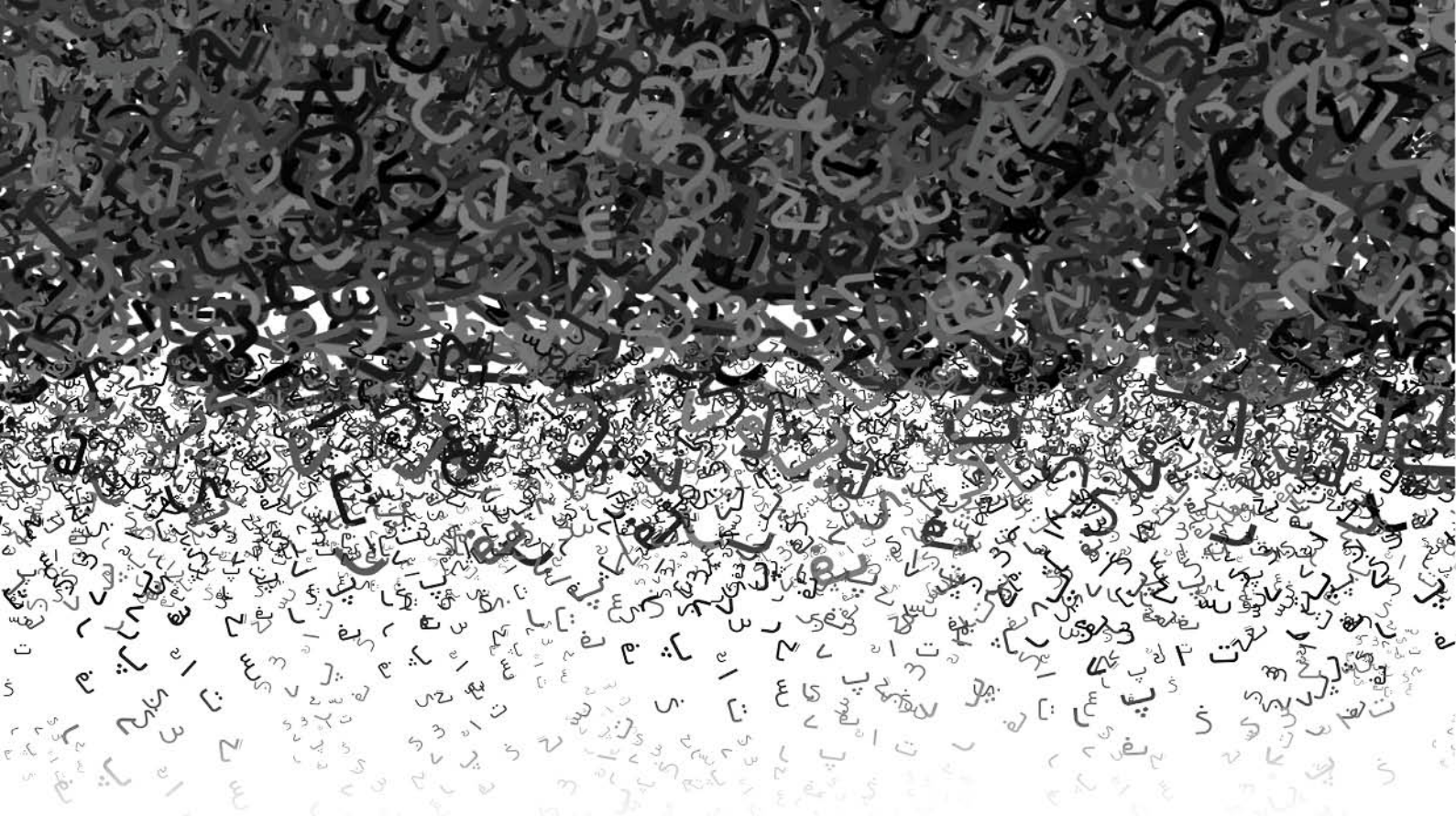
از وقتی که ایران تاریخی و وسیع بنا بر جبر تاریخ به جغرافیایی مشخصی منقسم گردید و فارس به عنوان ایران در یک حیطه یی از جهان رسمیت یافت و کشور به نام افغانستان تشکل یافت علاوه بر حبس انسان ها، دانش و استعدادها نیز توسط حکام وقت، فرمانروایان قومی و فاشیستی به حبس گرفته شدند. باوجود اینکه انسان دارای حق آزادی بیان، آزادی سیاسی، آزادی فردی، آزادی اجتماعی آزادی مذهبی، آزادی مدنی، آزادی فکری و آزادی جنسی میباشد دین نیز من حیث هویت الهی انسان ها را دارای آزادی ادیان میدانند.

ولی، با تاسف که درین کشور همه چیز در حبس گرفته شده است و حتا واژه ها همچین محبوس شده اند که کسی حق آزادی سخن گفتن را ندارد. وقتی که حق آزادی سخن گفتن به میان میاید به معنی سخن گفتن و کلام راندن به زبان بومی و مادری هر انسان و هر فرد میباشد. ما شاهد هستیم که سال ها میشود واژگان چون دانشگاه و دانشکده توسط حلقات خاص من حیث یک تهدید در گروگان گرفته شده بود و این اماکن مقدس علمی و آموزشی را محبوس کرده و چیزی به نام مصطلحات علمی و ملی به وجود آورده اند که نه ریشه یی دینی دارد و نه اصلیت فرهنگی و اجتماعی.

حریت و آزادی برای انسان امید میبخشد، پرنده را به پرواز در میآورد، قلم را روانتر میگرداند، مغز انسان را طوفانی میکند و ملت ها را باهم ملطفت میسازد. آزادی واژه بیست آزادی بخش و امیدوار کننده که برای انسان اجازت نمیدهد تا در امورات دیگران مداخله کرده و مانع یی برای بروز افکار و اندیشه های باز دیگران گردد. آزادی برای انسان قوت قلب بخشیده و روحا انسان را شاد و خرم نگه میدارد.

هرگاهی که انسان ها و یا گروهی از مردم برای رسیدن دیگران به حقوق شان مانع و یا مشکل ایجاد کنند در حق آزادی شان را سلب کرده اند. آزادی از دید فلاسفه به معنی جوهر زندگیست. همانطوریکه صلح و جنگ، سلم و منازعه در تقابل هم قرار دارند، آزادی و بردگی، استقلال و وابستگی نیز در مقابل و تضاد یکدیگر واقع اند.

آزادی را از دو راه میتوان از دیگران بگرفت. یکی بند کردن و محبوس نمودن و دیگری ایجاد معلولیت و راه های غیرانسانی و اخلاقی. به طور مثال اگر یک پرنده را در نظر بگیریم که در قفس محبوس است و آزادی پرواز و حرکت ندارد این یک نوع سلب آزادی است نوع دیگری است نوع دیگرش اینکه پرنده را آزاد میکنیم ولی بخش از بدنش صدمه دیده باشد، بگونه مثال پر و پال هایش را کنده و یا غیچی کرده باشیم که توان پرواز را نداشته باشد، نیز وی را سلب آزادی کرده ایم.



خوش بختانه با پایمردی و ایستادگی تعداد از نمایندگان دانشمند، واقعی و ملی مردم، توانستند که این دو گل واژه‌ی دُر دری را درج قوانین نافذه‌ی کشور گردانند و این واژه‌های محبوس شده را از بند رهایی بخشند و حریت را به جای مظلومیت در قانون تحصیلات عالی کشور مسجل سازند.

امروز واژه‌ی آزادی به مفهوم عمومی تر و کلی تر آن به معنی برابری و همدیگری پذیری نیز میباشد. وقتیکه از آزادیخواه - آزادیخواهی، آزادی طلب - آزادی طلبی و الی آزادی قلم سخن به میان میاید در یک عنوان به معنی خاص دیموکراسی میرسد. زمانیکه در جریان سال روان خیر خوش و امیدوار کننده درج واژگان "دانشگاه" و "دانشکده" را در قانون تحصیلات عالی کشور شنیدم به یاد سروده‌ی زیبای زاروق فانی شاعر نامدار کشور افتادم که درین مود گفته بود:

با هر دلی که شاد شود، شاد می شوم

آباد هر که گشت، من آباد می شوم

در دام هر که رفت، شریک غمش منم

از بند هر که رست، من آزاد می شوم

حالا که حق طلبی‌ها و دادرسی‌ها در حال جاگزین شدن به تعصب و تبعیض است امید میبرم که واژه‌های چون دواخانه، شهردار - شهرداری، کودکستان، زایشگاه، پرورشگاه و... نیز آزاد شوند تا یک فرد قندهاری و ننگرهای بدون دلهرگی و دلواپسی در ملتون و شاروالی گوید و برادر غوری و

بدخشی ما نیز به راحتی واژه‌های بومی و مادری خویش را تکرار نمایند و همه باهم در راستای غنای فرهنگی و تمدن زبانی و تاریخی خویش کوشا شده و یک ملت شویم که شوربختانه فعلا ملت نیستیم.

ملت شدن زمانی تحقق میپذیرد که تمام گروه‌های قومی و ملیت‌های که در یک حیطه‌ی تحت نام کشور و میهن زندگی میکنند یکدیگر را پذیرفته و برای ایده، اندیشه، نظر و جایگاه دیگران احترام و ارج قایل شوند و زیر یک پرچم صلح و صمیمیت زندگی شان وفق پذیر باشد. وقتیکه در قانون اساسی کشور که حکم مادر تمام قوانین را دارد و در آن زبان‌های دری و پشتو به حیث زبان‌های رسمی کشور شناخته و تایید میشوند دیگر جایی برای خفه کردن و تهدید برای زبان دری باقی نمیماند. اما، با تاسف هستند گروه‌ها و افراد که مغز و کمودشان از بوی گند تعصب و نفاق افگنی متعفن شده است و میخواهند که ازین راه برای بقای آینده‌ی خویش هسته‌گزاری‌هایی نامعقول و ناخردانه بکنند که این یک خواب است و خیال است و جنون.

همه میدانیم که زبان وسیله‌ی افهام و تفهیم است و در نهایت زبان وسیله‌ی ارتباطی بین افراد، گروه‌ها و ملت‌ها میباشد. خرسندی‌ام به اینجاست که زبان فارسی دری در حال آزاد شدن است ولی برعکس خیلی ناخرسندم که چرا این زبان و مفاهیمش به حبس و بند گرفته شده اند؟؟؟

این پرسش‌یست که تاریخ مابعد به آن پاسخ‌ارایه خواهد کرد. انشا الله تعالی.

صحت روانی کودکان در حوادث غیر مترقبه



طی شدن مراحل طبیعی دوران کودکی برای رشد و تکامل شخصیت هر فرد ضروری است. بنابراین، محروم کردن اطفال از نیازهای روانی این دوران، به اندازه‌ی محروم کردن آنان از غذا و لباس، مهم و زیان بار خواهد بود.

- گریه و بی قراری
- بی علاقه‌گی به آنچه که در اطرافش اتفاق می افتد یا ترس از محیط اطراف
- اختلال در خواب و اشتها
- وقفه یا تأخیر در سیر رشد رفتاری آنان مانند زمان شروع خندیدن، زمان شروع نشستن، راه رفتن و تکلم و...
- فقدان عکس العمل نسبت به محرک های طبیعی
- پسرفت تکاملی (عقب افتادن رشد جسمی)، مانند توقف در راه رفتن و تکلم

اختلالات روانی در اطفال ۲ تا ۴ ساله

- استرس و اختلالات روانی کودکان سنین ۲ تا ۴ سال، در مواجهه با حوادثی که منجر به از دست دادن والدین و دیگر اعضای خانواده‌ی آنها شده باشد، با علایم زیر بروز می نماید:
- بازگشت به مراحل اولیه‌ی رشد، مثلاً تکلم به شیوه ابتدایی (کودکانه)
- مکیدن شست دست
- شب ادراری

در جامعه‌ی که دستخوش یک حادثه‌ی غیرمترقبه شده، کودکان بازمانده که عزیزان خود را از دست داده اند، مجبور اند در شرایط جدید و متفاوت از شرایط قبلی زندگی کنند و اگر نیازهای خاص این قربانیان فوراً و بطور جدی برطرف نشوند، قطعاً روند تکاملی رشد آنان به شکل درست طی نشده و در آینده نزدیک یا دور منجر به بروز عوارض جدی روحی یا جسمی در آنها خواهد شد.

کمک به کودکان و نوجوانانی که با حوادث غیرمترقبه‌ی چون زلزله یا بحران های دیگر در زندگی برای غلبه بر مشکلات روانی ناشی از مواجهه با صحنه‌های حادثه، یکی از مهم ترین چالش‌هایی است که والدین، سرپرست خانواده، یا متخصصان صحت روانی با آن رو به رو هستند.

تحقیقات نشان داده اند که واکنش های افراد در مواجهه با حوادث بسیار متفاوت است. مثلاً برخی کودکان تنها دچار نگرانی می‌شوند و خاطرات تلخی در ذهن آنان ایجاد می‌شود، این گروه با کمی حمایت روانی به مرور زمان بهبود می یابند، اما برخی کودکان بطور عمیق دچار مشکل می‌شوند، واکنش به حادثه ممکن است بلافاصله و یا روزها و حتی هفته‌ها پس از سانحه بروز کند.

علایم صدمات روانی در اطفال کمتر از ۲ سال:

در کودکان کمتر از دو سال که در حوادث، والدین و عزیزان خود را از دست داده اند، رفتارهای روحی ذیل بروز می کنند:



۱- اگر مادر مصدوم است، هنگام ارجاع مادر به مراکز درمانی تخصصی تر، کوشش شود تا کودکان زیر ۴ ساله اش نیز همراه او یا پدرش اعزام گردند.

۲- اگر کودک شیرخوار است و مادر فوت کرده است؛

- تلاش صورت گیرد تا برای کودک شیرخوار مادر رضاعی (یعنی کسی که بتواند به او شیر بدهد) پیدا شود .

- کودک را به بستگان درجه اول مانند پدر یا مادر کلان، خاله یا عمه و کاکا (عمو) بسپارید و سفارش شود که مرتب او را نوازش نموده و هرگز کودک را ترک نکنند.

اگر کودک ۴-۱ ساله است و مادرش فوت کرده است حتماً پدر یا سایر بستگان درجه اول او بطور دایم همراه کودک باشند.

- در صورتی که اشیاء یا لباس قابل استفاده از پدر و مادر متوفی باقی مانده است مثلاً روسری یا تسبیح، آنها را در اختیار فرزندش قرار دهید.

- امکانات بازی و سرگرمی برای کودکان فراهم گردد، زیرا بازی باعث انحراف توجه کودک از استرس می‌شود و به او آرامش می‌دهد.

- سعی کنید کودکان را با گفتن حکایت های جالب بخندانید، ولی این کار را در موقعیت‌هایی انجام دهید که باعث رنجش بزرگترها نشود.

منبع: سایت داکتران بدون مرز

نشانه‌های معمول در نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ ساله احتمالاً واکنش‌هایی نظیر بزرگسالان شامل یادآوری مکرر سانحه، کابوس کرختی عواطف، اجتناب از هر چیزی که یادآور سانحه است، افسردگی، استفاده‌ی نابجا از دوا، ناسازگاری با همسالان پس‌رفت آموزشی، و رفتار غیراجتماعی همچون گوشه‌گیری و انزوا، ناراحتی‌های جسمی، تصمیم به خودکشی، امتناع از رفتن به مکتب، ناراحتی در خوابیدن و سردرگمی.

بدبهبی است تداوی این اختلالات یک امر تخصصی است که بوسیله‌ی داکتر و در صورت لزوم بوسیله‌ی دوکتور روانی یا روان شناس بالینی انجام می‌شود، ولی آنچه به امدادگران مربوط می‌شود شناخت این کسالت هاست تا بتوانند ضمن شناسایی این افراد و ارجاع به مراکز تخصصی استرس آسیب دیدگان را کاهش دهند و از بروز شدت اختلالات روانی آنان پیشگیری کنند .

توصیه های صحت روانی

برای آن که افراد بازمانده از حوادث، کمتر در معرض صدمات روحی قرار گیرند و از بروز اختلالات روانی دایم در آنان پیشگیری به عمل آید توصیه می‌گردد:

۱- هرگز کودکان را از والدین شان جدا نکنید، مثلاً:

- اگر کودک مجروح است، الزاماً باید مادر یا پدر یا یکی از بستگان بسیار صمیمی اش همراه او اعزام شود.

- بی اختیاری دفع مدفوع

- کابوس های شبانه

- ترس از اشیای خیالی

- پرخاشگری نسبت به دیگران

- ترس و بی اعتمادی نسبت به دیگران

- عدم تمرکز حواس و اختلال در یادگیری

- عدم عکس العمل مناسب به محرک های محیطی

علائم آسیب های روحی در اطفال سنین مکتب

عموماً علائم روانی در این سنین به اشکال ذیل می باشند:

- گریه کردن و بی قراری

- اختلالات خواب (بی خوابی - پرخوابی - کابوس های شبانه)

- شب ادراری

- شکایات جسمی متعدد، مثلاً شکم دردی، سردردی...

- پرخاشگری و تهاجم

- عدم تمرکز حواس و مشکلات تحصیلی

- ترس از اتفاقات قریب الوقوع

- تقلید صحنه های ناراحت کننده

توت میوه‌ی پر از خاصیت های مفیده

تقویت کلیه ها:

در طب چینی این عقیده وجود دارد که توت سفید موجب تقویت عملکرد کلیه ها می شود.

پاک کننده ی کبد:

یکی دیگر از باورهای موجود در طب چینی این است که توت سفید به طور موثری می تواند کبد را پاک و تمیز کند.

بهرتر شنیدن و بهتر دیدن:

در چین، با برگ درخت توت سفید چای تهیه کرده و معتقدند که این چای به افراد کمک می کند تا بهتر ببینند و بهتر بشنوند.

درمان قبضیت:

در ترکیه، درمانی برای رفع قبضیت وجود دارد که آن خوردن توت سفید به همراه یک گیلان آب آن هم با معده ی خالی است.

درمان کم خونی:

به دلیل وجود آهن زیاد در توت ها، این میوه های خوش مزه برای درمان کم خونی فقر آهن نیز کاربرد دارند.

درمان سرماخوردگی و آنفلوآنزا:

در ترکیه، شیره ی توت به عنوان یک درمان برای سرماخوردگی و آنفلوآنزا به کار می رود. اثر بخشی این روش به دلیل وجود ویتامین C بالای این ماده ی غذایی می باشد. دروطن ما شیره ی توت را با روغن مسکه (روغن زرد) مخلوط و در زمستان بصورت یک صبحانه مقوی بمصرف میرسانند.

درمان سفید شدن زودرس موها:

در خیلی از کشورها از توت ها برای درمان و علاج سفید و یا خاکستری شدن زودرس موها استفاده می شود.

ادامه دارد...

در این شماره از شنسبانه می خواهیم میوه ی را به معرفی بگیریم که پیشتر از دیگر میوه ها توجه اطفال و جوانان را بخود جلب می نماید، این میوه ی لذیذ در باغ، خانه و حتی زیارت گاه ها به انواع مختلف غرس گردیده و باغداران چیره دست کشور ما با پیوند زدن آنها حتی توانستند از یک درخت، چندین نوع این میوه را بدستروان خانواده ها جلایش دهند.

توت ها درختان تنومند وقوی بوده که ارتفاع بعضی از آنها تا بیست متر میرسد، این درختان که دارای چوب زردگونه داشته از چوب آن در صنایع چوبی بمشابه میز، چوکی، الماری و انواع کوچها استفاده میگردد نقش که چوب توت دارد بعد از پالش و جلاکاری از چوب چهارمغز زیبا تراست.

برگ توت های بی ثمر که به توت شغالی دروطن ما مشهور است، برای رشد و تربیه کرم پيله و صنعت ابریشم زیاد بکار گرفته می شود، این درختان در سابق به چین و بعد هابه خراسان بزرگ توسعه یافته است ومیوه اش لذیذ ودارای خواص مختلف است که بصورت خلاصه از آن بحث می نمائیم؛

ده فایده ی توت ها

پیشگیری از سرطان:

توت ها منبع خوبی از فیتونوترینتی توانا به نام رزوراترول (resveratrol) هستند که در انگور نیز یافت می شوند. محققان معتقد هستند که با کمک این ماده ی غذایی گیاهی می توانند هم از بروز سرطان ها پیشگیری کنند و هم این که با سرطان ها بجنگند.

افزایش طول عمر:

توت ها به دلیل وجود رزوراترول می توانند موجب افزایش طول عمر افراد شوند. در مطالعات متعددی نشان داده شده است که رزوراترول موجود در توت ها موجب افزایش طول عمر موش ها شده است.

تصفیه ی خون:

در طب چینی، توت ها به عنوان یک عامل تصفیه ی خون در نظر گرفته می شوند، به این معنا که خون را تمیز کرده، تولید آن را افزایش داده و به طور کلی موجب تقویت کل سیستم خونی می شود.



مراحل و فعالیت های آموزشی

دهد سن، سلیقه کودکان را تغییر می دهد بسیاری از کودکان زیر ده سال رنگ های سرخ (یا صورتی) و زرد را به عنوان رنگ های مورد علاقه شان معرفی می کنند، اما با رشد کردن و رسیدن به سن بالای ده سال آن ها کم کم رنگ آبی را ترجیح می دهند.

مشاهده می کنیم که این موضوع با فرآیند رشد و آشکار شدن توانایی دریافت و درک وجوه مختلف توسط احساسات کودک در ارتباط می باشد، ارجحیت رنگ ها ارتباط نزدیکی با جنسیت دارد، اغلب دخترهای کوچک رنگ صورتی، بنفش و بنفش کم رنگ را ترجیح می دهند و پسرهای کوچک رنگ سیاه و رنگ های تیره را بیش تر از دختران دوست دارند.

سئوالی که مطرح می شود این است که آیا سلیقه ها غریزی هستند یا اکتسابی؟ آیا بزرگ ترها، پسرها و دخترهای کوچک را عادت می دهند که سلیقه ی معینی را در انتخاب لباس ها و اسباب بازی هایشان بیسندند یا آن ها به طور غریزی دارای چنین گرایشی هستند؟ پاسخ دادن به این سؤال سخت است اما بیشتر به نظر می رسد که سلیقه ی رنگی، غریزی باشد اما این سئوالی است که در آینده باید جوابی برایش پیدا شود، به نظر شما آیا مسؤولان کارخانه های عروسک سازی درباره ی روان شناسی رنگ ها در کودک چیزی می دانند؟

ادامه دارد.....

آموزشی آن درس پیش نیاز به حساب می آیند، به این حرفها **خصوصیت های ورودی و رفتار های ورودی** می گویند، بهر صورت علم روان شناسی برای کودک از قالب های مختلف آموزش را پیشنهاد میدارد، اما برای معلم شایسته خواهد بود که در آغازین پلان آموزشی اش از رنگها که کودکان به آن نهایت علاقمند اند استفاده نماید.

رنگ بخش درخشان و شفاف دوران کودکی است، کودکان عاشق تمام انواع رنگ ها هستند و به آن ها پاسخ آنی و سریع می دهند گرچه پاسخ آنان متفاوت از واکنش بزرگسالان است، اگر شما در ارتباط با کودکان هستید، رنگ باید یکی از دوستان و همراهان شما باشد اما شما نیاز دارید از زبان رنگ ها به درستی استفاده کنید کودکان از تنوع رنگی کم تری استفاده می کنند این تنوع به مرور که بزرگ می شوند وسعت پیدا می کند.

رنگ اولین هویتی است که کودکان تشخیص می دهند، همه ی ما شنیده ایم که کودکان رنگ های سیاه و سفید را درک می کنند (روشنایی و تاریکی). در فاصله ۶ هفتگی تا ۲ ماهگی وضعیت کودکان تغییر بنیادی می کند، ابتدا بچه ها شروع به تشخیص رنگ سرخ می کنند و بعد از آن شروع به درک رنگ های روشن به ویژه رنگ زرد می کنند.

بچه های کوچک به سمت رنگ های روشن جذب می شوند، تحقیقات مؤلفان نشان می

آموزش کودکان باید مراحل عمده ی را بیامید تا کودک بتواند برای آموختن علاقمندی نشان داده و به رضایت خود درپروسه ی آموزش علاقمندی نشان دهد این مراحل تعلق میگیرد به استاد مکتب و مدرسه که او باید درقدم اول کودک را شناسایی نموده ظرفیت و توانایی هایش را بداند، بعد برای آموزش وی پلان مرحله ی را ترتیب و بصورت بسیار ساده و به زبان کودک در تطبیق آن اقدام نماید، از نظر روانشناسی می توان مراحل آموزش کودک را به چهار مرحله تقسیم کرد به شرح آتی:

۱- فعالیت های پیش از عمل آموزش

در این مرحله از آموزش، معلم ابتدایه تعیین مقاصد درس خود یعنی هدف های آموزشی می پردازد، برای تهیه هدفهای آموزشی متخصصان آموزش اصولی را پیشنهاد کرده اند که در شماره های بعدی شناسنامه از آن به تفصیل معلومات خواهی داد، در ضمن برای اینکه معلم بتواند هدفهای آموزشی متنوعی برای درسهای خود تهیه کند، لازم است از طبقه بندی های هدفهای آموزشی که در آنها سطوح مختلف هدفهای آموزشی و انواع یاد گیری معرفی شده اند استفاده نماید.

بعد از تهیه هدفهای آموزشی درس، نوبت میرسد به تعیین آمادگی و یا خصوصیت های یاد گیرنده گان طوریکه در بالا ذکر شد، یعنی تشخیص ظرفیت ها و برداشت های شاگرد (یادگیرنده) که برای یادگیری هدفهای



عدم اطمینان در پلان سازی

کنند. بنابراین بسیاری از صاحبان از پیشنهاد می کنند که سازمان ها از تئوری بازی ها برای کاهش عدم اطمینان استفاده کنند، به همین منوال برخی از سازمانها نیز از طریق مختلف از جمله خلاقیت ها و نو آوری های جمعی اقدام به تولید اطمینان می کنند، این اقدام معمولاً مطلوبیت های ارزشهای مورد انتظار نامیده می شوند.

برخی از دانشمندان علم مدیریت به این عقیده اند که سازمانها بر اخذ تصمیمات کوتاه مدت تمرکز کنند، برای شکستن سناریو های آینده به یک سلسله گام های کوچکتر تصمیم گیرندگان می توانند به اخذ تصمیمات بلند مدت نایل گردند.

یکی از استراتژی های کاهش عدم اطمینان تحمل کردن روش های معیاری وقوانین خاص بر محیط سازمان است، به این امید که با کنترل حد اقل یک بخش از محیط بتواند عدم اطمینان را کاهش دهد.

به هر حال، تصمیم گیری در وضعیت عدم اطمینان، بیشتر به ترکیبی از تحقیق، تجربه و گمان مبتنی است، هرگاه سازمان و یا مدیریت سازمان اراده قوی بکار، اعتماد کامل با زیرمجموعه ها و باور به موفقیت درامور داشته باشد، عدم اطمینان در پلان سازی اثری نخواهد داشت، تجربه نشان داده که هماهنگی و بحث های جمعی در سازمان اصلاً بر عدم اطمینان نقطه ی عطف دارد، علاوه از آنکه مدیر با باورمندی کامل به طرح و برنامه ریزی موفق خواهد بود، شفافیت های کاری و عدم اغماض از زیر مجموعه ها سبب می شد تا با اطمینان کامل بسوی هدف گام برداشت.

ادامه دارد....

زیر نویسها

۱- ابوالفضل صادق پور؛ اصول و مبانی سازمان و مدیریت ۲- سائرت ومارج؛ ۱۹۹۲

عدم اطمینان وضعیتی است که فرد تصمیم گیرنده اطلاعات لازم راجهت تعیین میزان احتمالات و نتایج آنها، از راه های مختلف در اختیار ندارد، حتی ممکن است، تصمیم گیرنده نتواند مشکل را بصورت مشخص تعریف نماید،

عدم اطمینان در پلان سازی می تواند چنین تعریف گردد: « نقطه متقابل اطمینان است، وقتیکه گفته می شود اطمینان دارم» به این معناست که شرایط برای یک حادثه ی معین کاملاً قابل پیش بینی است، اما وقتیکه تصمیم گیرنده دانش و اطلاعات کامل یا فهم دقیقی از تصمیم پیشنهادی و یا نتایج اطمینان آن ندارد، گفته می شود در شرایط عدم اطمینان بسر می برد»

دو نوع عدم اطمینان وجود دارد:

۱- عدم اطمینان که وابسته به چانس است، مانند پرتاب سکه برای برنده شدن و یا عدم برنده شدن در شرط

۲- عدم اطمینانی که ناشی از شرایط یک مشکل و قضاوت درمورد آن باشد.

عدم اطمینان معمولاً وقتی است که مشکل و شقوق حل آن مبهم و بسیار غیر معمولی باشد، اصولاً مدیران، متخصصان و پژوهشگرانی که در بازاریابی، انجینیری و پلان سازی های بلند مدت فعالیت دارند، با این وضعیت مواجه می شوند، وضعیت عدم اطمینان حتی زمانیکه گروهی برای شناخت مشکل واتخاذ بهترین راه حل تحقیق می کنند نیز بروز می کند، ناممکن بودن پیش بینی با این گفته هماهنگ است که اگر روزنامه فردا، امروز بدست ما می رسید، بسیار از حوادث مندرج در آن اتفاق نمی افتاد.

استراتژیهای کاهش عدم اطمینان

از دید واقع گرایان عدم اطمینان ویژگی جداناپذیر زندگی روزمره سازمانهاست که باید بطور ساده یاد بگیرند که چگونه با آن زندگی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ
اللَّهُ أَكْبَرُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

اللَّهُ أَكْبَرُ عَمَّا يُشْرِكُونَ
اللَّهُ أَكْبَرُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

اللَّهُ أَكْبَرُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

دعای محمد صلی اللہ علیہ وسلم

SHANSABANEYA

استقلال مبارک



Mobile: 0799237579
Email: hazinyar.gjcf@gmail.com